

اشاره:

تجارت در دنیای کنونی، اساس پیشرفت و توسعه اقتصادی ملل را تشکیل می‌دهد. دستیابی به فن‌آوری‌های نوین و تولید انبوه، نیاز به فروش محصولات و گشایش بازارها دارد تا مداوم رشد تولید ناخالص داخلی، اشتغال نیروی انسانی و بهره‌برداری بهینه از توانمندی‌ها و منابع اقتصادی را تضمین کند و در نهایت رفاه اجتماعی را به ارمغان آورد.

با این وجود تجارت خارجی ایران تحت‌تأثیر تندبادهای داخلی و خارجی و سیاست‌های اتخاذ شده در سال‌های اخیر متناسب با توانمندی‌ها و منابع اقتصادی کشور رشد نکرده است. هنوز اقتصاد ایران به‌شدت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت وابسته است و برای تأمین آینده‌ای روشن نیاز به بازنگری دارد. درباره سیاست‌های تجاری و تأثیر آن بر روند توسعه اقتصادی کشور، کارشناسان نظرات گوناگونی دارند که در حای خود قابل طرح و ارزیابی است. بررسی دیدگاه گوناگون درباره سیاست‌های تجاری و اقتصادی می‌تواند دولت‌مردان، سیاست‌گذاران و طراحان برنامه‌های اقتصادی را در تدوین و تنظیم برنامه‌های کارآمد و فعالان اقتصادی و دست‌اندرکاران تجارت را در گسترش تولید و صادرات یاری دهد.

خبرنار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» درباره سیاست‌های تجاری کشور و ضرورت بازنگری در این سیاست‌ها و راهکارهای احتمالی، با آقای **علاء‌الدین میرمحمدصادقی** نایب رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و رئیس اتحادیه صادرکنندگان محصولات معدنی ایران به گفت‌وگو نشست.

وی که از صادرکنندگان مواد معدنی است، بیش از بیست و پنج سال در بخش معدن و محصولات معدنی و ساختمانی سابقه فعالیت دارد.

آزادسازی تجارتی به رفاه مردم و رونق اقتصاد کشور



روند قابل توجیه است؟

□ بخواهیم یا نخواهیم عضوی از جامعه جهانی هستیم و به همین سبب اقتصاد و تجارت ما نیز نمی‌تواند جدا از جامعه جهانی باشد. به خصوص با فراگیر شدن دامنه سازمان جهانی تجارت و تلاش کشورها برای عضویت در این سازمان، ما نیز چاره‌ای جز حرکت به سوی آزادسازی فعالیت‌های تجاری که از ملزومات اولیه پیوستن به سازمان جهانی تجارت است، نخواهیم داشت. البته این اقدام‌ها باید با حفظ منافع و مصالح ملی و احترام به اصول اعتقادی ما صورت پذیرد.

■ برای پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت چه اصلاحاتی در بعد اقتصادی باید صورت بگیرد؟

نا به‌طور کلی پیوستن به سازمان جهانی تجارت ابزار و وسایلی را می‌طلبد که متأسفانه اقتصاد ما هنوز به آنها مجهز نشده است. علاوه بر آن باید فرهنگ و باور جهانی شدن تجارت هم در میان بازرگانان و دولتمردان کسرتش پیدا کند. همه باید این واقعیت را بپذیریم که ما در دنیای امروز نمی‌توانیم به‌صورت جزیره‌ای جدا از دیگر ملل جهان به زندگی ادامه دهیم. بنابراین هر طرح، برنامه و سیاستی که در جهت اسان کردن امر تجارت داخلی و خارجی به اجرا درآید، راد ورود به سازمان جهانی تجارت را همواره می‌کند.

■ سیاست‌های ارزی کنونی چه آثاری بر تجارت خارجی به ویژه صادرات غیرنفتی دارد؟ آیا باید این سیاست‌ها اصلاح شود؟

□ مطالبی که بیان شد، مؤید آن است که ما برای غلبه بر مشکلات مزمن اقتصادی به یک خانه‌تکانی اساسی در باورهای ذهنی و در ساختارها، قوانین و مقررات موجود که زاینده سیاست‌گذاری‌های متمرکز و دیوانسالاری خارج از اندازه است، نیاز مبرم داریم. بدون این خانه‌تکانی آمیدی به رفع مشکلات اقتصادی وجود نخواهد داشت.

○ توسعه صادرات غیرنفتی و رفع موانع و مشکلات آن، بهترین سیاستی است که باید در حال و آینده دنبال شود. زیرا به گردش چرخ‌های تولید، رشد سرمایه‌گذاری و افزایش اشتغال کمک می‌کند.

■ آیا حضور در بازارهای جهانی و گسترش صادرات غیرنفتی به بازنگری کلی در سیاست‌های تجاری نیاز دارد؟

■ با توجه به شرایط کنونی اقتصاد ایران، به نظر جنابعالی چه سیاست‌های تجاری ثمربخش خواهد بود؟

□ به عقیده اکثر صاحب‌نظران که از زاویه واقع‌بینی به مسایل اقتصادی کشور نگاه می‌کنند، توسعه صادرات غیرنفتی کشور و رفع موانع و مشکلات آن، بهترین سیاستی است که در حال و آینده باید دنبال شود. زیرا با توسعه صادرات غیرنفتی چرخ‌های تولید کشور به‌کار می‌افتد و بارشده سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های صنعتی و تولیدی، اشتغال افزایش پیدا می‌کند و به رفع مشکل بیکاری کمک می‌شود.

■ با توجه به محدودیت منابع ارزی کشور و تقاضای فزاینده برای آن، آیا اقتصاد ایران زمینه مساعد برای آزادسازی تجاری دارد؟

□ باید توجه داشت که آزادسازی تجاری، دخالت دادن هر چه بیشتر مردم در فعالیت تجاری و همزمان با آن کاهش تصدی دولت در این قبیل امور یکی از عوامل مؤثر در ایجاد صنایع و درآمدهای ارزی برای کشور می‌باشد. اتفاقاً در شرایطی که دولت و اقتصاد کشور از محدودیت‌های ارزی رنج می‌برد، آزادسازی سبب ایجاد کشایش در این محدودیت‌ها و رونق اقتصادی می‌شود. متأسفانه در حال حاضر عمده اتکالی دولت به درآمدهای حاصل از فروش نفت است که با سقوط بی‌درپی قیمت آن در بازارهای جهانی، درآمدهای ارزی دولت از این منبع ارزشمند خدادادی رو به کاهش می‌رود. آزادسازی تجارت می‌تواند منابع ارزی جدیدی را برای کشور تأمین کند.

■ به نظر شما آزادسازی تجاری با تأمین چه پیش‌نیازهایی و چگونه باید صورت بگیرد؟

□ کاستن از دامنه تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی به‌خصوص در امر تجارت و صادرات که یک کار کاملاً تخصصی است و سپردن هر چه بیشتر این امور به بخش خصوصی، یعنی مردم، از پیش‌نیازهای آزادسازی تجاری است. البته تحقق آن مستلزم یک سلسله اقدامات بنیادی در زمینه ایجاد تسهیلات، تثبیت قوانین و مقررات برای مدت زمان طولانی، اصلاح نظام بانکی و کم کردن تعداد ایستگاه‌های تصمیم‌گیری در ارتباط با امر تجارت است. مجموعه این اقدام‌ها در نهایت به شکوفایی اقتصادی، توسعه صادرات غیرنفتی در قطع وابستگی مطلق کشور به درآمدهای نفتی منتهی خواهد شد.

■ با توجه به آنکه روند تجارت جهانی به سرعت به سوی آزادسازی پیش می‌رود، آیا جدا ماندن اقتصاد ایران از این

اگر این نیاز وجود دارد، پیشنهاد شما چیست؟

□ بازرگاری در قوانین و مقررات صادراتی، ایجاد انواع تسهیلات برای صادرات و صادرکنندگان به صورت کاستن از دامنه تشریفات اداری، حذف اغلب پیمان‌های ارزی، تعیین نرخ واقعی برای ارز صادراتی و ارتقاء کیفیت و مرغوبیت کالاهای صادراتی از اقدام‌هایی است که انجام آنها راه ورود کالاهای غیرنفتی به بازارهای جهانی را هموار خواهد ساخت.

○ آزادسازی تجاری، دخالت بیشتر مردم در فعالیت‌های تجاری و همزمان با آن کاهش تصدی دولت در این بخش از عوامل مؤثر در ایجاد درآمد و منابع ارزی است.

■ در مجموعه سیاست‌های بازرگانی، آیا گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری با کشورهای صنعتی مفید است یا کشورهای منطقه و بازارهای هدف مانند اکو، نفتا، دی‌هشت و...؟

□ مسلماً یکی از راه‌های توسعه اقتصادی و افزایش حجم مبادلات بازرگانی کشور، همکاری‌های دوجانبه، چندجانبه و منطقه‌ای است که خوشبختانه ایران با عضویت در سازمان همکاری اقتصادی (اکو) و از طریق عقد قراردادهای همکاری با سایر کشورها از این جهت موفقیت‌های چشمگیری داشته است. اما در دنیای پرقاب‌کنونی دامنه این همکاری‌ها باید بیش از پیش گسترش پیدا کند و از این طریق زمینه جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و مشترک و انتقال فن‌آوری به کشور فراهم شود.

■ تأثیر سیاست‌های تجاری سنتی (در جهت توسعه صادرات غیرنفتی) تاکنون بر اقتصاد کشور چه بوده است؟ آیا بازرگاری و تغییر در این سیاست‌ها ضروری است؟

□ مسلماً هر برهه‌ای از تاریخ نیازها و ابزارهای متناسب با خود را طلب می‌کند که اقتصاد و تجارت هم از این قاعده جدا نیست. به خصوص با فراگیر شدن ابعاد تجارت الکترونیکی و بدون کاغذ و با توسعه روزافزون شبکه‌های اطلاع‌رسانی بازرگانی، شیوه‌های سنتی گذشته دیگر نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای بازرگانی کشور باشد. این شیوه‌ها بیشتر به درد نگهداری در موزه‌ها و حافظه تاریخ می‌خورد.

■ اقتصاد ایران در چه زمینه‌هایی مزیت نسبی دارد و

چگونه می‌توان از این مزیت‌ها در جهت توسعه صادرات و تجارت خارجی استفاده کرد؟

□ خوشبختانه مزیت‌های نسبی اقتصاد ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای دور و نزدیک بسیار است. متأسفانه به دلیل هماهنگ نبودن سیاست‌گذاری‌ها، مزیت‌های نسبی تاکنون به قدر کافی شناخته و استفاده نشده است. بزرگ‌ترین مزیت نسبی موجود در کشور ما منابع طبیعی فراوان و سوخت به نسبت ارزان، نیروی کار مستعد و جوان و شرایط اقلیمی بسیار مساعد است که این مزیت‌ها می‌تواند در تولید انواع محصولات قابل صدور به بازارهای جهان خود را نمایان سازد.

■ تعدیل ساختار اقتصادی و آزادسازی تجاری در ایران اکنون در چه مرحله‌ای است؟ راه‌های گسترش انجام این برنامه‌ها چیست و چه مزایایی برای اقتصاد کشور دارد؟

□ به نظر می‌رسد که این موضوع تاکنون از مرحله حرف و اظهار نظر فراتر نرفته و دلیل آن هم تنگناهای بسیاری است که در عرصه اقتصاد و تجارت به چشم می‌خورد. به طور کلی پاسخ این سؤال که تعدیل ساختار اقتصادی کشور در چه مرحله‌ای است را باید دولتمردان و سیاست‌گذاران دولت بدهند و ابعاد تصمیم‌هایی را که در این ارتباط مدنظر دارند، برای مردم تشریح کنند.

■ محدودیت‌های ارزی سبب کاهش فعالیت بخش خصوصی در تجارت شده است. آیا بانک مرکزی باید در سیاست‌های ارزی کنونی خود تجدیدنظر کند؟ در این زمینه چه پیشنهادهایی دارید؟

□ میدان دادن به بخش غیردولتی، رفع موانع و مشکلات بانکی و گمرکی از پیش روی صادرات غیرنفتی، اصلاح و تثبیت قوانین و مقررات در جهت تأمین حداکثر تسهیلات برای فعالیت‌های مولد و صادراتی از نیازها و ضرورت‌های قطعی برای سامان‌دهی به اقتصاد کشور و غلبه بر مشکلات کنونی است که ممکن است ادامه آن به یک بحران اجتماعی مبدل شود.

○ ایجاد تسهیلات، تثبیت قوانین و مقررات، اصلاح نظام بانکی و کم کردن ایستگاه‌های تصمیم‌گیری در ارتباط با تجارت از اقدامات بنیادی برای آزادسازی تجاری و شکوفایی اقتصادی است.

مسئولان اجرایی کشور رایه دهد.

■ **آیا تشکل‌های صادراتی می‌توانند در پیشبرد سیاست‌های تجاری نقش فعالی ایفا کنند؟ نقش آنها در طراحی و تدوین سیاست‌های تجاری چگونه باید تعریف و ارزیابی شود؟**

□ بله، تشکل‌های صادراتی می‌توانند نقش مهمی در نهادینه کردن صادرات و سوق دادن فعالیت‌های صادراتی به مجاری صحیح، ایفا کنند. در زمینه ایجاد این قبیل تشکل‌ها، اقدام‌هایی از سوی اتاق ایران صورت گرفته است. امیدواریم با ادامه این حرکت شاهد پیدایش وضعیت مساعدتری در فعالیت‌های سالم صادراتی کشور باشیم.

■ **آیا علت بروز روند نزولی صادرات غیرنفتی را در سال‌های اخیر، در اتخاذ سیاست‌های تجاری نامناسب می‌بینید؟ لطفاً توضیح دهید.**

□ سیر نزولی صادرات غیرنفتی کشور در سال‌های اخیر دلایل متعددی داشته است که هر یک از آنها باید به‌طور جداگانه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. اگرچه کالاهای غیرنفتی از نظر مشکلات صادراتی وجوه مشترکی دارند، اما بعضی از آنها با مشکلات خاص خود نیز مواجه هستند. به عنوان مثال می‌توان از کاهش صادرات فرش دستباف یا پسته ایران در سال‌های اخیر نام برد که این کاهش علاوه بر اینکه ناشی از وجود موانع و مشکلات داخلی بوده، از وضعیت خاص حاکم بر بازارهای اروپایی نیز تأثیر پذیرفته است و رقبای تازه بخشی از بازار ما را گرفته‌اند.

روی هم رفته باید گفت اگر مشکلات ساختاری داخلی و قوانین و مقررات صادراتی تسهیل و اصلاح شوند، غلبه بر وضع موجود و جلوگیری از سیر نزولی صادرات غیرنفتی امکان‌پذیر است.

○ **تعدیل ساختار اقتصادی تاکنون از مرحله حرف و اظهارنظر فراتر نرفته و دلیل آن تنگناهای بسیاری است که در عرصه اقتصاد و تجارت به چشم می‌خورد.**

■ **به نظر شما کدام دستگاه اجرایی باید به‌طور مستقیم سیاست‌های بازرگانی را طراحی کند؟**

□ آنچه مسلم است یکی از مشکلات ساختاری اقتصاد ما وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است. این

○ برای غلبه بر مشکلات مزمن اقتصادی به یک خانه‌تکانی اساسی در باورهای ذهنی، ساختارها و قوانین و مقررات که زاییده سیاست‌گذاری‌های متمرکز است، نیاز داریم.

■ **برای پیشبرد یک سیاست تجاری فعال چه ساختار، تشکیلات و مقرراتی باید تنظیم و تدوین شود؟**

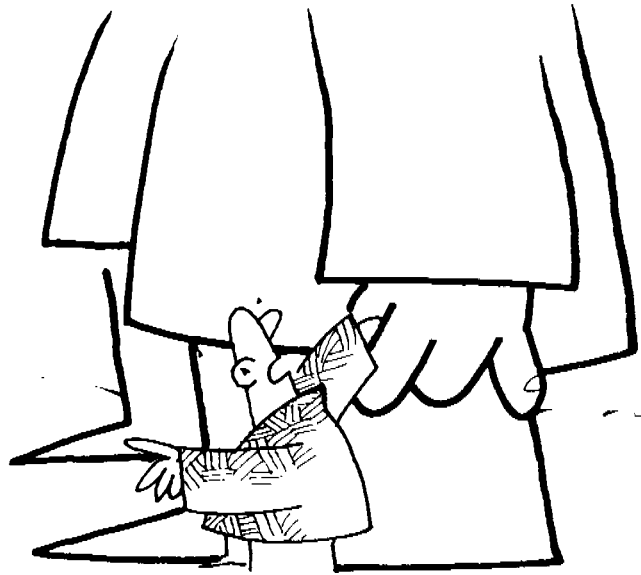
□ ما ملتی با سابقه کهن تاریخی در زمینه مبادلات تجاری هستیم و کشور ما از دیرباز نقش محوری در برقراری ارتباطات بازرگانی میان شرق و غرب عالم داشته است. بنابراین تجارت برای ما یک مقوله جدید و وارداتی مانند برخی از مظاهر اجتماعی و فرهنگی مغرب زمین نیست. می‌توان ادعا کرد که تجارت با خون ایرانیان عجین شده است. در عرصه فعالیت‌های تجاری ما افراد و شخصیت‌های برجسته و ممتازی هستند که متأسفانه به دلیل دخالت‌های بیش از حد دولت در امور تجاری بسیاری از این صاحب‌نظران خود را از عرصه فعالیت‌های بازرگانی کنار کشیده‌اند و آنهایی هم که در صحنه باقی مانده‌اند از حداکثر توان و استعداد و تجربه خود در امور بازرگانی استفاده نمی‌کنند.

یک دلیل عمده بروز این بی‌میلی، وجود انواع موانع و مشکلاتی است که دیوانسالاری حجیم و گسترده در برابر فعالان اقتصادی غیر دولتی ایجاد کرده است. یکی از این موانع، سیاست‌های ارزی بانک مرکزی است که تولیدکننده و صادرکننده را به یک اندازه آزار می‌دهد و انگیزه فعالیت را در افراد علاقه‌مند کم‌رنگ می‌کند.

■ **آیا اتاق بازرگانی در تدوین سیاست‌های تجاری با دستگاه‌های ذی‌صلاح دولت مانند وزارت بازرگانی همکاری دارد. در چه اموری این همکاری بیشتر است؟**

□ اتاق بازرگانی تاکنون در همه زمینه‌های مرتبط با امور اقتصادی و بازرگانی کشور نظرات و پیشنهادهای اصلاحی خود را به مسئولان اجرایی رایه داده که تازه‌ترین آنها رایه طرحی در زمینه ساماندهی اقتصاد کشور به ریاست محترم جمهوری تحت عنوان مالکیت فراگیر بوده است.

به نظر ما اجرای این طرح می‌تواند بسیاری از تنگناها و مشکلات اقتصادی کشور را به صورت بنیادین رفع کند. به‌طور کلی اتاق بازرگانی به‌عنوان یک بازوی مشورتی و فکری همیشه آماده است که پیشنهادهای راهگشای خود را به



اقتصادی در چند جمله نمی‌توان اظهار نظر کرد. اما آنچه مسلم است برخی از اجزاء این دو برنامه که نتایج چندان خوبی به بار نیاورده و همگان شاهد و ناظر آن هستند، باید در برنامه سوم تجدیدنظر شود.

■ پیشنهاد شما برای اتخاذ یک سیاست تجاری فعال که

رشد اقتصادی پایدار به دنبال داشته باشد چیست؟

□ عمده پیشنهاد های اتاق بازرگانی ایران در طرح مدون ساماندهی اقتصاد کشور به ریاست محترم جمهوری تقدیم شده است و امیدواریم مورد توجه سیاست‌گزاران اقتصادی کشور قرار گیرد. توصیه بنده به عنوان کسی که سال‌های طولانی در فعالیتهای تولیدی، صنعتی و بازرگانی مشارکت و تجربه داشته‌ام، به طراحان سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی کشور این است که اولاً در طراحی سیاست‌ها صرف‌نظر از تعلق‌های خاص و گروهی، از نظرات همه افراد صاحب‌نظر استفاده کنند و ثانیاً واقعیت‌ها و نیازهای امروز و فردای ایران را به‌طور جدی مدنظر قرار دهند.

وضع تاکنون زیان‌های زیادی به اقتصاد کشور وارد ساخته است. شرایط و نیازهای حال و آینده ایجاب می‌کند که این مراکز هر چه بیشتر محدود شوند و سیاست واحدی بر کلیه امور اقتصادی و بازرگانی کشور حاکم باشد تا همه تکلیف خود را از بابت این سیاست‌ها بدانند. تعدد مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری منجر به اتخاذ تصمیم‌های متضاد و متناقض می‌شود که به خیر و صلاح کشور نیست. اما این که امور بازرگانی باید به کدام دستگاه واگذار شود، مسأله‌ای است که خود دولت باید درباره آن تصمیم بگیرد.

○ تعدد مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری تاکنون زیان‌های فراوانی به اقتصاد کشور وارد ساخته است. شرایط و نیازهای حال و آینده ایجاب می‌کند این مراکز هر چه بیشتر محدود شوند و سیاست واحدی بر تمام امور اقتصادی و بازرگانی حاکم شود.

■ آیا سیاست‌های بازرگانی برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی کشور را تأیید می‌کنید؟ نقاط قوت و ضعف این سیاست‌ها چه بوده است؟

□ درباره نقاط ضعف و قوت برنامه‌های اول و دوم توسعه